

هویت امدادگران فرهنگی

(مطالعه موردی: طلاب فعال در سیل فروردین ۹۸)

مهدی مولائی آرانی^۱ سیدمحمد کاظمی قهفرخی^۲

چکیده

در حادثه سیل فروردین ۹۸، گروه‌ها و اقشار مختلفی از مردم برای کمک به مردم در صحنه حضور داشتند. این گروه‌ها را می‌توان به حسب نوع فعالیت در گونه‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. یکی از گونه‌ها، امدادگران فرهنگی بودند که سعی می‌کردند با استفاده از دانش دینی و ظرفیت‌های فرهنگ بومی منطقه، از تشدید آسیب‌ها جلوگیری کرده و زمینه رشد و ارتقای مردم را فراهم کنند. طلاب و روحانیون یکی از اقشاری هستند که قرابت معنایی بیشتری با این مفهوم دارند و از این جهت به‌عنوان گروه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شده است. شناخت هویت و باورهای امدادگران فرهنگی طلبه از یک سو به ما کمک خواهد کرد رفتارهای آنها جامع‌تر و دقیق‌تر تحلیل شود و از سوی دیگر خطاهای موجود در حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای استفاده بهینه از ظرفیت این نیروها کاهش یابد. این تحقیق با استفاده از روش تحلیل مضمون و مصاحبه با ۲۶ نفر از طلاب فعال در حادثه سیل ۹۸، تحلیل و طبقه‌بندی شده است. شناخت هویت این طلاب در چهارگونه تکلیف‌گرایان، عارفان، ساختارگرایان و سردرگم انجام شده و «باورهای هویتی» و «دیگری» هرگونه نیز بیان شده است.

■ واژگان کلیدی

مددکاری اجتماعی، امدادگر فرهنگی، هویت طلاب، سیل ۹۸.

۱. عضو هیات علمی گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، m.molaeearani@isca.ac.ir

۲. عضو هیات علمی گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، m.kazemigh@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۴

۱. مقدمه و بیان مسئله

حادثه سیل فروردین ۹۸ در ایران از جمله حوادثی است که از زوایای مختلف قابل بحث و بررسی است. از دانش مدیریت بحران در کشور گرفته تا فعالیت نیروهای امدادی. امدادگران سیل ۹۸ از گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه با توانمندی‌های متفاوت وارد عرصه خدمت شدند تا بتوانند درد مردم سیل‌زده را کاهش دهند. گروه‌های امدادی فعال در این صحنه را می‌توان از منظرهای مختلف مانند قشر، جنسیت، سن و اهداف طبقه‌بندی کرد. برای مثال برخی گروه‌ها که بانام امدادگری وارد صحنه شده بودند، هدفشان ایجاد بدبینی و ناامیدی نسبت به حاکمیت در میان مردم بود و در مقابل برخی گروه‌های مذهبی با هدف امیدآفرینی وارد صحنه شده و با تلاش خود مانع از بدبینی مردم به حاکمیت شدند. از نظر ابزارهای مورد استفاده نیز، برخی اقشار، امدادگری را از طریق کمک‌های مادی و اقتصادی انجام داده و برخی دیگر امدادگری را از مسیر همزیستی در کنار مردم به سرانجام رساندند. به عبارتی می‌توان گروه‌های مختلف امدادی را با عناوینی همچون امدادگران اقتصادی، امدادگران فنی، امدادگران کودک و نوجوان، امدادگران سیاستی، امدادگران فرهنگی نامگذاری و طبقه‌بندی کرد. مراد از امدادگر فرهنگی در این تحقیق، فرد، گروه یا نهادی است که تلاش می‌کند مبتنی بر دانش دینی و ظرفیت‌های فرهنگی - بومی منطقه، از وقوع و یا تشدید آسیب فرهنگی اجتماعی جلوگیری کرده و مسیر رشد و ارتقای فرد و جامعه را فراهم کند. طلاب و روحانیون یکی از اقشاری هستند که قرابت معنایی بیشتری با این مفهوم دارند و از این جهت به‌عنوان گروه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شده‌اند.

بررسی برخی حوادث و اتفاقات در حادثه سیل (مانند نحوه تعامل گروه‌های امدادی با یکدیگر، سازماندهی و شبکه‌سازی گروه‌های امدادی، ارتباط گروه‌های مردمی با سازمان‌های دولتی و حاکمیتی) نشان داد، اگرچه تدبیرهای مدیریتی، سازمانی و رسمی برای حل مسائل و مشکلات لازم است، اما برای اصلاح واقعی و پایدار باید ابتدا شناخت حقیقی از هویت و باورهای این گروه‌ها به‌دست آید و براساس آن، راهکارها و تدبیرها، اولویت‌بندی شود. براین اساس دغدغه اصلی این مقاله شناخت مؤلفه‌های هویتی طلاب و روحانیون به‌عنوان یکی از گروه‌های «امدادگر فرهنگی» است. سؤال مقاله این است که طلاب و روحانیون با چه هویتی وارد عرصه خدمت به

مردم سیل زده شدند و در این عرصه، «دیگری» آنها چه افراد و گروه‌هایی بودند؟ چه مؤلفه‌هایی در ساخت هویت طلاب در این میدان اثرگذار است؟

۲. ادبیات نظری

باتوجه به چندبعدی بودن این مقاله، در بخش ادبیات نظری تلاش می‌کنیم مروری بر ادبیات نظری «۱. مددکاری اجتماعی و بحران، ۲. هویت روحانیت» انجام شده تا به‌عنوان زیربنای نظری مقاله استفاده شود.

۲-۱. مددکاری اجتماعی و بحران

«مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است مبتنی بر استعدادها، مهارت‌ها و دانش‌های خاص، به‌منظور فراهم آوردن شرایط مادی و معنوی برای افراد و اقشار نیازمند جامعه، به‌گونه‌ای که در جهت شناخت و رفع مشکل خود برانگیخته شوند» (زاهدی‌اصل، ۱۳۹۵: ۳۴). اگرچه این حرفه از ابتدا پیوند نزدیکی با شرایط و حوادث بحرانی داشت؛ اما در دهه‌های اخیر مداخله مددکاری اجتماعی در بحران در قالب سه‌دسته گسترش یافته و طبقه‌بندی شده است. این سه دسته عبارتند از: (والش^۱، ۱۳۹۳: ۴۴۷-۴۴۲)

- بحران‌های رشدی: حوادثی که در جریان تغییرات طبیعی زندگی رخ می‌دهند و واکنش‌های شدیدی ایجاد می‌کنند مانند تولد فرزند اول، فارغ‌التحصیلی از دانشگاه.

- بحران‌های موقعیتی: حوادث غیرعادی و مهمی که فرد هیچ راهی برای پیش‌بینی یا کنترل آنها ندارد مانند صدمات جسمی، سیل و زلزله.

- بحران‌های هستی‌شناختی: بحران‌های مربوط به افزایش تضادهای درونی در مورد هدف زندگی، مسئولیت، استقلال، آزادی و تعهد فرد.

فرد مددکار برای مواجهه با هر کدام از انواع بحران، از دو رویکرد کلی می‌تواند استفاده کند:

۱. تمرکز بر مشکل: در این شیوه تلاش شده موقعیت و شرایط بحرانی ترمیم و اصلاح شود و عملاً تغییر محیط فیزیکی در دستور کار قرار می‌گیرد. این رویکرد در شرایطی کاربرد دارد که

بتوانیم با اقدام خود، موقعیت را کنترل کنیم. ۲. تمرکز بر احساس: در این دیدگاه، موقعیت تغییر نمی‌کند، بلکه رفتار یا نگرش ما نسبت به بحران تغییر می‌یابد. از آنجاکه افراد گرایش کمی به کنترل موقعیت‌های بحران (تمرکز بر مشکل) دارند، راهبردهای ارتباطی و متمرکز بر احساس، مانند جستجوی ارزش‌های غایی و معنای زندگی و دگرگونی‌های هویت شخصی بیشتر گسترش یافته است (لازاروس^۱، ۱۹۹۳). در شرایط بحران موقعیتی مانند سیل، اصلاح شرایط محیطی براساس رویکرد انطباقی متمرکز بر مشکل، امری بسیار سخت است و بهترین راه، استفاده از رویکرد انطباقی متمرکز بر احساس است.

۲-۲. نسبت بحران و معنویت در مددکاری

هر کدام از انواع بحران، می‌تواند نسبت خاصی با معنویت و باورهای اعتقادی مددجو برقرار کند. اگر بحران از نوع هستی‌شناختی باشد، به صورت مستقیم باورها و اعتقادات مذهبی فرد را درگیر می‌کند یا در مفهوم کلی‌تر، فرد مددجو، درباره ارزش‌ها و تعهدات خود به صورت عمیق‌تر به تفکر می‌پردازد. این نوع از بحران، می‌تواند ماهیت معنوی داشته باشد و ویژگی آن، تضادهای درونی درباره هدف زندگی و تعهدات فردی است. بحران‌های موقعیتی و رشدی ارتباط مستقیمی با باورهای اعتقادی مددجویان ندارد؛ اما به صورت ناخودآگاه تمام مراجعان (چه گروهی که باور مذهبی داشته باشند و چه گروهی که اعتقادی به مذهب و معنویت ندارند) را درگیر می‌کند (والش، ۱۳۹۳: ۴۷۳). در زمان این بحران‌ها -به‌ویژه بحران‌های موقعیتی مانند سیل و زلزله- افرادی که باورهای مذهبی ندارند و به دنبال آرامش برای فکر و ذهن خود هستند، به بررسی منابع مذهبی گرایش پیدا می‌کنند و افرادی که دارای اعتقادات مذهبی هستند، در یافتن برخی علل و دلایل این حوادث و نسبت خود با حادثه، دچار شک و تردید می‌شوند.

این گرایش، شک و تردید، ضرورت بررسی و توجه به نقش مددکار اجتماعی در اصلاح باورهای مراجعه‌کنندگان را افزایش می‌دهد و ما را به این باور می‌رساند «طلاب و روحانیون به‌عنوان گونه‌ای از امدادگران فرهنگی» که در مقایسه با «مددکار اجتماعی» تمرکز بیشتری بر دانش دینی و ظرفیت‌های فرهنگی و اعتقادی منطقه دارند، توانایی بیشتری در حل یا کاهش این نوع از مسائل خواهند داشت.

1. Lazarus

۲-۳. هویت امدادگر فرهنگی

همان‌طور که بیان شد در شرایط «بحران موقعیتی» مانند سیل، متغیر اصلی برای بهبود بحران و وضعیت مددجو به‌ویژه نظام باورها و اعتقادات او، مددکار اجتماعی و امدادگر فرهنگی است. عامل اساسی و متغیر ثابت در پاسخ به نیازهای مددجو و واکنش به نیازهای محیطی و لحظه‌ای خصوصاً در شرایط بحران موقعیتی، بستگی به شخصیت فرد مددکار دارد (موسوی چلک، ۱۳۹۵: ۵۴).

برخی دیگر از منابع مددکاری اجتماعی، به‌جای «شخصیت مددکار»، متغیر اصلی را «دانش و ارزش» مددکار اجتماعی دانسته‌اند. در این نگاه، «دانش»، اطلاعاتی است که درباره جهان، ویژگی‌های آن، انسان‌ها و روابط متقابل بین آنان در اختیار داریم و «ارزش» به ترجیح دادن ابزارها، هدف‌ها و شرایط زندگی اشاره می‌کند و اغلب با احساسات نیرومندی همراه می‌شود. به‌بیان ساده‌تر دانش، درباره «هست‌ها» صحبت می‌کند و ارزش درباره «بایدها» (کامپتون^۱، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۸۹).

۱۳۳

اگر نگاه جامع‌تری به شخصیت و بنیاد ارزش‌ها و دانش‌های شخصیت مددکار داشته باشیم، می‌توانیم «هویت» امدادگر را به‌عنوان بخش اصلی و زیربنای شخصیت فرد در نظر بگیریم. گیدنز معتقد است: هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به‌عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. هویت به‌معنای تداوم فرد در زمان و مکان است و هویت فردی نیز بازتاب تغییر است که شخص از آن به‌عمل آورده است (گیدنز^۲، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۲). از منظر جامعه‌شناسی، هویت به‌معنای پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر اطلاق می‌شود که از طریق تعاملات اجتماعی و در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد (نوپه فلاح، ۱۳۸۳: ۴۲). ایزوتسو با تکیه بر مفهوم نسبی بودن هویت، در تعریف آن می‌گوید: «هویت نسبی است که انسان بین شبکه معنایی ذهن خود و شبکه روابط اجتماعی برقرار می‌کند.» (فیرحی، ۱۳۸۳: ۵). در جمع‌بندی می‌توان گفت دو عامل کلیدی در ساخت هویت هر فرد و به‌ویژه امدادگر فرهنگی مؤثر است: ۱. با توجه به اینکه، هویت ریشه در آگاهی و ارزش‌های فرد

1. Beulah Roberts Compton

2. Anthony Giddens

دارد، «اعتقادات و باورهای امدادگر» در ساخت هویت او نقش کلیدی دارد و ۲. بر این اساس که هویت ماهیتی رابطه‌ای دارد، ارتباط و تعامل امدادگر با محیط (اعم از محیط اجتماعی، سیاسی) و شیوه کنش و واکنش او در محیط‌های مختلف در ساخته شدن این هویت و امتداد آن اثرگذار خواهد بود. این تعامل و ارتباط با محیط، در بستر زمان، مکان و تاریخ رخ می‌دهد و بازتاب یک حادثه یا رویداد خاص نیست. بر این اساس در ادامه به بررسی شیوه و رویکرد تعامل روحانیت با دو محیط اجتماعی و سیاسی به‌عنوان دو محیط اصلی در ساخت هویت طلاب و روحانیون به‌عنوان یکی از مهمترین گروه‌های امدادگران فرهنگی پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱. تعامل روحانیت با محیط اجتماعی

بررسی ادبیات نظری تعامل روحانیت با محیط اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در ساخت هویت روحانیت نشان می‌دهد در دوران معاصر دو رویکرد درباره چگونگی ورود و تعامل روحانیت با عرصه اجتماعی مطرح بوده است. در رویکرد اول؛ دکتر شریعتی براساس نگاه علوم اجتماعی که متأثر از نگاه مارکسیستی است، نقطه شروع و موتور روشنگری را دین و مذهب در ایران می‌دانست و بر این امر تأکید داشت که در ابتدا باید تعریفی اجتماعی از دین و مذهب ارائه شود و به‌عنوان نیروی تهذیب کننده در راستای اعتلای جامعه از آن استفاده شود. اگرچه دکتر شریعتی حرکت اصلاح‌گونه خود را از دین می‌دانست و از تبدیل آن به ایدئولوژی در راستای حرکت یک جامعه به سمت خیر استفاده می‌کرد، اما باید به این مطلب اشاره کرد که به نظر می‌رسد منظور ایشان از خیر همان جامعه مدرن و متجدد است (کچوییان، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۱۳). در مقابل دیدگاه مذکور، رویکرد امام خمینی و شهید مطهری است که با تمرکز بر کامل بودن دین اسلام، نقص را در عدم توجه به تمام ابواب آن می‌دانند و از این منظر تاریخ روحانیت را نقد می‌کنند. این رویکرد با طرح مسئله عینیت دیانت با سیاست، بازتعریف مفهوم «عصر غیبت»، اذن تصرف در مال و جان مردم در دولت، رد دنیاگریزی و ترجیح تهذیب نفس بر جامعه و جایگزینی آن‌ها با عبادت جمعی و لزوم تحرک برای جامعه و امت اسلامی، گسترش مفهوم حسبه از قضا به ولایت عامه فقیه، ارتقای نظریه وکالت و نظارت؛ عدم توجه به ابواب اجتماعی دین را عامل بیرونی و استعماری می‌داند و از طلاب می‌خواهد به دغدغه‌های اجتماعی در کنار مباحث علمی

نیز بپردازند. چرایی تمرکز و تأکید این گروه بر دین را می‌توان در این نگاه دانست که امام خمینی دین اسلام را به‌عنوان یک «دال متعالی»^۱ کافی و تکامل‌یافته پذیرفته است و در برابر اصلاح جامعه لزومی به پناه بردن به دامن غرب نمی‌بیند، چراکه از اساس تمدن امروزی، بنیان‌های ضد انسانی دارد و همخوانی با آن نوعی التقاط، اختلاط‌گرایی^۲ و همسانی با موازین آن است. از این رو اسلام تنها به دستاوردهایی مجوز می‌دهد که خلاف با اصول او نیست. با تمام تفاوت‌های بیان‌شده، امام خمینی، شهید مطهری و دکتر شریعتی در خوانش دین و یا توازن نگاه فردی، اجتماعی و سیاسی از آن و نیز بازگشت به خویشتن در مقابل تمدن نوین غربی وجوه مشترکی نیز با یکدیگر دارند (کچوییان، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۱۳ و تاجیک، ۱۳۷۷: ۷۴-۶۹ و فراتی، ۱۳۹۴: ۷۰-۴۸).

۲-۳-۲. تعامل روحانیت با محیط سیاسی

در کنار محیط اجتماعی، تعامل روحانیت با محیط سیاسی، تأثیر گسترده‌ای در ساخت هویت و دیگری‌های او دارد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد جایگاه روحانیت در قدرت با دوسویی مثبت و منفی همراه بود، اول آنکه در جایگاه مثبت، روحانیت در مقام نگهبان و حکم سیاست در مقام نظارت بر حاکمیت و مصلحت جامعه عمل کرد و در سطح اجتماعی با تعریف حربه تلاش کرد امور بر جای مانده در جامعه را متولی و در راستای اصلاح جامعه اسلامی حرکت کند. در نقش منفی، همچون زمان ساسانیان با افزایش قدرت روحانیت و کاهش قدرت نظارت او بر شهریار و شاهی از یک‌سو و افزایش فساد در پایان دوره ساسانی، نگاه مردم به این قشر تغییر کرد. در دوران پارس‌ناسنی با تمرکز بر کارکرد معنایی دین، به دلیل توجیه‌گری و آگاهی کاذب، دین نیز به‌عنوان ابزاری برای افیونی توده‌ها، عامل و حاشیه امن برای قدرت تعریف شد. البته این گزاره‌ها با سیره علما و روحانیت در تاریخ معاصر ایران در دفاع از وطن و کشور (مانند فتاوی‌ای جهاد در دوران مبارزات با روس‌ها و سایر کشورهای استعمارگر)، منافات دارد. با وجود تمام مسائلی که بیان شد، دین و روحانیت در همین سطح به دلیل وجود زمینه‌های اجتماعی و استقلال نسبی از دستگاه حاکمیت، نقش هدایت افکار عمومی و یا حمایت از مردم را برعهده داشته و تأثیرگذار

1. Master Signifier

2. Hybridists

بوده است. در این میان به این نکته نیز می‌توان اشاره کرد که جریان‌هایی هم در حوزه و در بین علما وجود داشت که به دلایل عدم مجوز حکومت در زمان غیبت و برخی شکست‌های تاریخی روحانیت؛ عرفان‌گرایی را انتخاب کرده و تهذیب نفس را به‌عنوان وظیفه اصلی روحانیت انتخاب کرده و حضور اجتماعی را به حاشیه رانده‌اند (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۴۷ و منصورنژاد، ۱۳۸۵ و خاکبان، ۱۳۹۷ و رجبی‌دوانی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۹۷).

۴-۲. جمع‌بندی

مددکاری اجتماعی یکی از حرفه‌هایی است که تلاش می‌کند در بحران‌های موقعیتی مانند سیل با استفاده از رویکرد تمرکز بر احساس، مسائل و مشکلات مددجو را کاهش دهد. تشدید گرایش به اعتقادات و شک و تردید در نسبت میان باورهای مذهبی و علل بحران‌های موقعیتی و شرایط مددجو؛ ضرورت حضور «امدادگران فرهنگی» را بیشتر نمایان می‌کند. براساس رویکرد تمرکز بر احساس و پیچیدگی شرایط و عوامل محیطی در بحران موقعیتی، عامل اصلی برای موفقیت در این شرایط، شخصیت، ویژگی‌ها و توانمندی‌های امدادگر فرهنگی است و از این جهت خوانش «هویت امدادگر فرهنگی» به‌عنوان بخش اصلی و زیربنای شخصیت او اهمیت دارد. هویت امدادگر روحانی نیز برخاسته از دو عامل باورها و اعتقادات فرد و نحوه تعامل او با محیط است و این هویت را می‌توان در قالب «خود» و «دیگری» بازخوانی کرد. روحانیت هویت خود در مواجهه با مشکلات اجتماعی را با تغییر در مدل شریعتی که برآمده از ایدئولوژی می‌باشد و یا پیروی از مدل بازخوانی تمام ابواب دین و همچنین تجهیز دو خود سیاسی برآمده از ولایت فقیه و مسئولیت‌پذیری در کشور و خود اجتماعی برآمده از وظایف شرعی رسیدگی به دیگران و روشنگری از باب رهبری معنوی آنها، در حوزه‌های امدادگری صورت‌بندی کرده است. براساس این صورت‌بندی، روحانیون به‌عنوان گروهی از امدادگران فرهنگی در سیل ۹۸، بر کدام «خود» و «دیگری» متمرکز شدند؟ این هویت برخاسته از باورها و چگونگی تعامل آنها با محیط شکل گرفته است.

۳. روش تحقیق

در هر پژوهشی، از روش‌های مشخصی استفاده شده و براساس آن به شناخت و گردآوری منابع و سپس تحلیل و نقد و فهم موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود. این تحقیق در مقام

گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و تکنیک مصاحبه استفاده کرده است. از روش کتابخانه‌ای برای مطالعه ادبیات نظری موضوع هویت و امدادگری استفاده شده و در مقام بررسی کنشگری طلاب در سیل ۹۸ با ۲۶ نفر از طلاب فعال در میدان، مسئولان نهادهای حوزوی و مدیران حوزوی استانی و شهرستانی مصاحبه شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. برای ارزیابی داده‌های به‌دست آمده از روش تحلیل مضمون، چهار روش وجود دارد. گرچه استفاده یکی از این چهار روش برای اعتبارسنجی داده‌ها کفایت می‌کند؛ اما در این تحقیق برای افزایش میزان اعتبار داده‌های به‌دست آمده از دو روش ۱. استفاده از کدگذاران مستقل و ۲. دریافت بازخورد از مصاحبه‌شوندگان استفاده شده است. بر این اساس بعد از انجام مصاحبه و تحلیل داده‌ها، متن برای مصاحبه‌شوندگان و برخی از صاحب‌نظران ارسال و متناسب با نظرات ارسالی، اصلاحات هم اعمال شد.

۴. یافته‌های تحقیق

طبقه‌بندی طلاب حاضر در میدان سیل ۹۸، با استفاده از ادبیات هویت و برمبنای دو مؤلفه «باورهای هویتی» و «دیگری/غیریت» در قالب چهار طبقه «تکلیف‌گرایان، عارفان، ساختارگرایان و سردرگم‌ها» انجام شده است. همان‌طور که در ادبیات نظری مطرح شد، هویت متضمن دو معنای اصلی است که بخش اول آن بیان‌کننده تشابه مطلق است. «باورهای هویتی» هرگونه بیان‌کننده مؤلفه‌هایی است که سبب ایجاد تشابه اعضای یک‌گونه می‌شود. این نکته نیز قابل ذکر است که مرز تفاوت میان باورهای هویتی هرگونه بسیار نزدیک و گاهی همپوشانی دارد. معیار محقق برای بیان باورهای هرگونه آن بوده است که در موقعیت تزاحم و تردید، کدام باور معیار اصلی برای انتخاب و تصمیم‌گیری است. معنای دوم هویت به‌مفهوم تمایز و تفاوت اشاره دارد. هویت ما اختصاصات ویژه‌مانست که از آن دیگران نیست و از این نظر ما و آنها در آن چیزها متفاوت هستیم و همین مایه شناخت متقابل میان ما می‌شود. در شکل‌دهی هویت هر فرد، دو عنصر دخالت دارد؛ تعریف فرد از خود و تعریف فرد از دیگران. نکته قابل توجه آن است که هویت در هر سطحی در مقابل «غیر» مطرح می‌شود (آزادارمکی، ۱۳۹۲: ۱۳).

۴-۱. تکلیف‌گرایان

این گروه از طلاب حضور خود در میدان سیل و کمک به مردم را یک تکلیف الهی می‌دانند و بر این باورند در صورت عدم حضور از پاسخگویی در پیشگاه الهی معذور خواهند بود. تکلیف‌گرایان حضور خود در عرصه خدمات اجتماعی را بیشتر از دریچه عقیدتی و ایدئولوژیک تفسیر می‌کنند و معتقدند میدان خدمات اجتماعی به مانند عرصه نظامی، میدان جنگ با دشمنی است که تلاش می‌کند اعتقادات و باورهای مردم را منحرف کند. گروهی از تکلیف‌گرایان، براساس نوع نگاهشان به دین و جایگاه مراجع دینی، بیان مراجع عظام تقلید و ولی فقیه در جامعه دینی را برای خود تکلیف آور می‌دانند. بر این اساس، این بخش از تکلیف‌گرایان، علت حضور خود را «درخواست ولی فقیه و مراجع عظام تقلید» می‌دانند. گروهی دیگر از تکلیف‌گرایان با استناد به فهم و برداشت خود از آیه «لایکلف الله نفسا الا وسعها»^۱ معتقدند زمانی حضور آنها در مناطق سیل‌زده به‌عنوان یک تکلیف محسوب می‌شود که براساس شناخت از نیازهای منطقه و توانایی خود به این باور رسیده باشند که حضورشان در آن موقعیت اثرگذار و مفید است. این گروه از تکلیف‌گرایان معتقدند مبنای حضور در مناطق سیل‌زده تکلیفی است که براساس شناخت از خود و میدان به‌دست می‌آورند و اگر احساس کنند حضورشان در میدان اثرگذار نیست، این حضور را کاری عبث و بیهوده می‌دانند.

۴-۱-۱. باورهای تکلیف‌گرایان

- جهاد:

«جهاد» در فرهنگ شیعه از مفاهیم بسیار مقدس است. باور طلبه حاضر در میدان سیل بر این است که خدمت به مردم سیل‌زده و حمایت از مردم بی‌پناه یک عمل مقدس است. در واقع طلبه تکلیف‌گرا براساس باور اعتقادی به حکم جهاد و شناخت از موضوع، حضور در این میدان را یک تکلیف الهی و عمل مقدس می‌دانند.

«چطور رزمندگان ما رفتند جبهه و شهید شدند، اینجا هم یک نوع جبهه است هیچ فرقی نمی‌کند، اون‌ها مدافع حرم بودند و کارشان بسیار باارزش بود و این بچه‌های طلبه هم الان مدافع

۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۶.

ناموس شهر پلدختر شدند. مدافع زن و بچه‌شان. نمی‌خواهم بگویم کاملاً مثل هم هستند اما هم مدافعان حرم و هم این مدافعان شهر جهاد می‌کنند.» (م ۸)^۱

از مؤلفه‌های مهم جهاد، انجام کار و فعالیت در شرایطی است که دشمن در میدان حاضر باشد. «جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست.»^۲ در میدان سیل ۹۸، ممکن است دشمن به‌صورت عیان و آشکار حضور نداشته باشد، اما تکلیف‌گرایان بر این باورند دشمن در این میدان فعال بوده و تلاش کرده است با استفاده از مشکلات پیش آمده، اعتقادات دینی و باورهای سیاسی مردم را تغییر دهد. از این رو حضور در این میدان یک جهاد است چراکه به‌معنای مقابله با دشمن و فعالیت‌های آشکار و پنهان اوست. «گاهی جهاد نرم است، گاهی جهاد سخت است،... همه‌ی اینها جهاد است اما در همه‌ی اینها باید توجه داشت که این جهاد، علیه دشمن است، علیه دشمن بشریت است، علیه دشمنانی است که به اتکاء قدرت خود و زر و زور خود، وجود سنگین و مطامع خودشان را بر بشریت تحمیل می‌کنند.»^۳ این گروه از طلاب، براساس روحیه تکلیف‌محوری خود، میدان سیل را نیز عرصه‌ای برای بیان کردن و نشان دادن ناکارآمدی جریان سازش با دشمن تبدیل کردند.

«حرف مجموعه بچه‌های جهادی یک کلمه است، ما عمرمان و جانمان را می‌گذاریم سازندگی را به پایان می‌رسانیم. ما کنار هموطن خود و مردم هستیم اما سازش نمی‌پذیریم. این بلندترین اعتقاد و پیام حضور این بچه‌ها است. این بچه‌ها با چنگ و دندان، با دست خالی، با نبود امکانات دیوان‌سالاری و حمایت‌های بودجه‌ای، مملکتشان را می‌سازند، اما زیر بار سازش نخواهند رفت و اجازه حضور دشمن را نمی‌دهند.» (م ۱)

از دیگر مؤلفه‌های کار جهادی، پذیرش مشقت و سختی است. تکلیف‌گرایان که برمبنای باور به جهاد دانستن فعالیت خود وارد این عرصه شده‌اند نهایت سختی و مشقت را براساس باورهای اعتقادی خود، تحمل می‌کنند و معتقدند اگر سختی و مشقت در این کار نباشد، جهاد معنا ندارد.

۱. به‌منظور رعایت اخلاق مصاحبه و پرهیز از ذکر اسامی مصاحبه‌شوندگان از کدگذاری استفاده شده است.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۳/۴/۱۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی - ۹۵/۹/۲۷.

- رهبری مرجعیت دینی و ولی فقیه

باور تکلیف‌گرایان بر این است که بیان «مرجعیت دینی و ولی فقیه»، به‌مثابه یک تکلیف شرعی است و عمل به آن واجب است. این گروه، خود را پیرو ولی فقیه و مراجع تقلید می‌دانند و صریحاً بیان می‌کنند حضورشان در میدان سیل به خاطر فرمان و خواسته آنها بوده است.

«بعد از اینکه حضرت آقا و مراجع عظام در پیامشان یا در درس خارجشان کمک به مردم سیل‌زده را مطرح کردند، ما دوازده نفر از طلبه‌های حوزه رضویه زنجان یا علی گفتیم و با وسیله خودمان، با ابزارهای خودمان راه افتادیم آمدیم پلدختر و الان یازده روز است اینجا هستیم.» (م ۹ و م ۴)

این گروه به‌گونه‌ای فعالیت می‌کند که رضایت ولی فقیه و مرجعیت دینی را به‌همراه داشته باشد. به‌عبارت دیگر، مهمترین عامل انگیزشی برای حضور در میدان و ادامه فعالیت، ابراز رضایت رهبران دینی این گروه است. این گروه با تأسی به رهبران خود، از بیان فعالیت‌های انجام شده خود پرهیز می‌کند و آن را سبب کم‌شدن ارزش کار می‌داند و براین اساس، غالباً تلاش و فعالیت‌های جهادی این گروه، توسط دیگران (اعم از دوستان و رسانه‌های گروهی) بازنمایی می‌شود.

۴-۱-۲. دشمن به‌مثابه دیگری

تکلیف‌گرایان، حضور خود در این میدان را برخاسته از یک مبنای اعتقادی می‌دانند و براین اساس در تعریف «دیگری» خود نسبت به سایر گروه‌ها حساسیت بیشتری دارند. این گروه، میدان سیل را به‌مثابه یک میدان جهاد می‌داند و بر این باور است «دشمنان» نیز در این میدان فعال هستند. دشمنان در باور این گروه شامل دو دسته می‌شوند:

۱. دشمن مذهبی: افرادی که با باورهای ضدشیعی در این میدان فعالیت می‌کنند و اکثراً در حمایت وهابیت هستند و همین‌طور گروه‌هایی که نسبت به رعایت حدود شرعی مانند حجاب و ارتباط با نامحرم سهل‌انگاری می‌کنند.

۲. دشمن سیاسی: افرادی که نسبت به حکومت جمهوری اسلامی بی‌تفاوت هستند و یا اینکه مردم را نسبت به نظام بدبین می‌کنند. گروه‌های سکولار و سلطنت‌طلبان از جمله افرادی هستند که در این دسته طبقه‌بندی می‌شوند.

با توجه به باور تکلیف‌گرایان نسبت به «دشمن‌دانستن» این گروه‌ها، شیوه مواجهه با آنها نیز سخت بوده و تلاش می‌کنند از حضور آنها در این میدان جلوگیری کنند.

«دو جریان در مقابل حرکت نیروهای مذهبی و انقلابی وجود داشت. گروهی با عناوین بشردوستانه وارد صحنه می‌شدند و در واقعیت نسبت به نظام و حاکمیت هیچ نسبت و ارتباطی هم نداشتند و تلاش می‌کردند بدبینی نسبت به حاکمیت ایجاد کنند. این گروه‌ها اکثراً نسبت به فرهنگ بومی منطقه هم آشنایی ندارند و برنامه‌های آنها در تعارض با فرهنگ بومی بود. مثلاً بدحجابی در میان قبایل به ندرت دیده می‌شود و اینها با وضعیت نامناسب در این مناطق می‌آمدند. جریان دیگر، گروه‌های وهابی و ضد مذهب بودند که تلاش می‌کردند با هزینه مالی زیاد مردم را جذب کنند. برخی از گروه‌های وهابی تا دو میلیون تومان هم به مردم پول دادند. (ما) تلاش کردیم این گروه‌ها را شناسایی کنیم تا از مبادی ذیربط با آنها برخورد شود و حتی بچه‌های طلبه را توجیه می‌کردیم چگونه با اینها مقابله کنند و آنها را پس بزنند.» (م ۳)

۴-۲. عارفان

عرفان به دو بخش عرفان نظری و عملی قابل تقسیم است. ۱. عرفان نظری: این بخش از عرفان مربوط به تفسیر هستی یعنی تفسیر خدا، جهان و انسان است. عرفان در این بخش مانند فلسفه الهی است که در مقام تفسیر و توضیح هستی است. ۲. عرفان عملی: آن بخش از عرفان است که روابط و وظایف انسان را با خودش و با جهان و با خدا بیان می‌کند و توضیح می‌دهد. عرفان در این بخش یک علم عملی است (مطهری، ۱۳۷۳: ۸۹-۸۵). بررسی رفتار طلاب فعال در حادثه سیل ۹۸ نشان می‌دهد گروهی از آنان، با رویکرد عرفانی وارد این میدان شدند و براساس تعلیمات عرفان نظری و شناختی که از جایگاه خود در هستی کسب کرده‌اند، گام در مسیر عرفان عملی نهادند. درحالی است که بسیاری از مدعیان عرفان، در عرفان نظری مانده و توان قدم گذاشتن در مسیر عرفان عملی را نداشته و یا عرفان عملی را به معنای سیر و سلوک از طریق گوشه‌گیری و انزوا و دوری از اجتماع معنا کرده‌اند. امام خمینی (ره) در رد این باورهای نادرست می‌فرماید:

« این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است، لکن نرفتند تو خانه‌شان بنشینند و بگویند ما اهل سلوکیم و چه کار داریم که به ملت چه می‌گذرد... موسی بن عمران اهل سلوک بود، ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد؛ ابراهیم هم همین طور؛ رسول خدا هم که همه می‌دانیم.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

براین اساس گروهی از طلاب و روحانیون با برداشتی عالمانه از عرفان نظری، میدان سیل ۹۸ را فرصتی برای مبارزه با هوای نفس و پیمودن مسیر سیر و سلوک معنا می‌کنند. طلاب عاشق و عارف بیش از آنکه حضور در این میدان را از دریچه مقابله با دیگری تفسیر کنند و بر این باور باشند که در صورت عدم حضور در این میدان، دشمنان عقیدتی و سیاسی این میدان را تسخیر خواهند کرد؛ بر این باورند که این میدان فرصتی برای سلوک و رشد فردی از طریق خدمت به مردم است و در صورت عدم بهره‌گیری از این نعمت، خود فرد بیشترین ضرر را خواهد کرد. این گروه از طلاب حتی در صورتی که بیانی از سوی مراجع تقلید یا ولی فقیه نباشد و حتی بدون بررسی دقیق نیازهای میدان و توانایی‌های خود، وارد صحنه می‌شوند. این گروه، عاشق کمک و یاریگری مردم هستند و هر جا حس کنند مردم نیازمند کمک هستند، در آنجا حضور پیدا می‌کنند.

۴-۲-۱. باورهای عارفان

- عبادت

گروهی که با نگاه عارفانه و عاشقانه وارد میدان خدمت شده‌اند، بر این باورند این میدان گرچه سخت است و مشقت‌هایی برای آنها به همراه دارد اما از جانب خداوند یک نعمت است تا آنها بتوانند در این مسیر قرار بگیرند و رشد کنند. معتقدان به این تفکر، بدون تکلف و سختی و از روی شوق وارد عرصه خدمت می‌شوند. در باور این گروه، خدمت به مردم از بالاترین نعمت‌های خداوند است و شوق عمل به این باور، آنها را وارد میدان کرده است. این گروه از طلاب معتقدند، خدمت به مردم که به‌عنوان یک نعمت الهی و یک فرصت در اختیار آنها قرار گرفته است، نوعی «عبادت» و مقدمه قرب الهی است و هر کس شناخت بیشتری از خداوند کسب کند، عاشقانه‌تر به مردم محروم خدمت می‌کند. چرا که خدمت به خلق خدا جزئی از مراحل سیر و سلوک و بندگی است. این گروه از طلاب که بیشتر با رویکرد عرفانی وارد میدان می‌شوند، معتقدند انجام این‌گونه

فعالیت‌های امدادی سبب شکستن غرورهای کاذب در نفس انسان شده و مسیر سیر و سلوک را تسهیل می‌کند و آنها را به مرحله بندگی نزدیکتر خواهد کرد. اعتقاد و استناد به دستورالعمل‌ها و نامه‌های عرفانی از جمله باورهای این گروه است.

«امام خمینی، در دستورالعملی به فرزندشان، چنین می‌نویسد: پسرم!... آن چه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار کنی و گوشه‌گیر و کَلِّ بر خلق الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است، یا درویشان دکان دار... پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است، شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست اندرکاران نیست.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۵۱۱ - ۵۱۲).

عارفان براساس باورهای خود و برای استفاده بیشتر از این فرصت در جهت بندگی و عبادت خداوند، برخی مناسک و عبادات مستحبی را نیز علاوه بر فعالیت‌های یدی انجام می‌دهند. این گروه معتقدند این‌گونه مناسک، گرچه در ظاهر، موجب سختی و تکلف می‌شود، اما در واقع تمرینی برای نفس است تا از عبادت خداوند در این شرایط سخت لذت ببرد.

«زدن سیل‌بند و انجام کارهای یدی در آن گرمای اهواز بدن آدم را خیلی خسته می‌کند. من آنجا سقایی می‌کردم و آب می‌دادم. به یک طلبه عزیز جوانی رسیدم دیدم روزه است و با زبان روزه داشت به سختی کار می‌کرد. این افراد از همه‌ی جان خود برای کمک به مردم مایه گذاشتند.» (م ۱)

- امداد الهی

طلبه‌ای که براساس تکلیف وارد میدان می‌شود ابتدا شناخت دقیقی از نیازهای میدان و توانمندی خود کسب می‌کند و از بررسی ارتباط میان این دو به این یقین می‌رسد که حضور در این میدان یک تکلیف است یا خیر. اما طلبه عارف، تفکر عاقلانه را به حاشیه برده و براساس رویکرد عرفانی وارد میدان شده و بر این باور است هرگاه به‌صورت مخلصانه و عاشقانه وارد میدان شود حتی اگر توانایی انجام کاری را نداشته باشد، خداوند او را یاری کرده و مؤثر خواهد بود. این گروه از امدادگران طلبه، خود را تنها کنشگر و «علت تامه» برای کمک به مردم نمی‌دانند.

فرد طلبه خود را در دایره نظام هستی‌ای تعریف می‌کند که خداوند حکیم آن را اداره می‌کند و بر این باور است که در کنار همه نیروهای ظاهری و جسمانی، نیرویی قویتر و بالاتر به‌عنوان «امداد الهی» وجود دارد.

«اوضاع شهر حمیدیه اصلاً مناسب نبود و خطر واقعاً این شهر را تهدید می‌کرد. حتی برخی مدیران آمدند و گفتند اگر شهر غرق شود خون این مردم به گردن شماست که در این جا تلاش می‌کنید و مردم را امیدوار نگه داشته‌اید... این در حالی بود که گروه‌های معارض، به شدت در همان شهر کار می‌کردند و اصلاً به صلاح نبود ما مردم را رها کنیم... تا حد توان برای زدن سیل‌بند تلاش کردیم اما به نقطه‌ای رسیدیم که دیگر کسی پای کار نبود و حتی گونی و خاک هم وجود نداشت. یکی دو بار مصاحبه کردم و گفتم «اینها خادم‌های امام حسین هستند به داد خادم‌های امام حسین برسید تا امام حسین روز قیامت به داد شما برسد.» این عبارت را یکی که وهابی شده بود یا انتقاداتی به باورهای ما داشت، شنید و گفت امام حسین بیاید کمک خادم‌هایش؟! دقیقاً همان شب یک سردار بازنشسته‌ای چهارده کمپرسی خاک و دو تا لودر آورد. این در حالی بود که ما ساعت‌ها منتظر خاک بودیم و خبری نبود. وقتی این چهارده کمپرسی ساعت دو شب آمدند بعضی از بچه‌ها نشسته بودند و فقط به این ماشین‌ها نگاه می‌کردند و گریه می‌کردند. اشک شوق می‌ریختند مثل اینکه عملیاتی بود و داشتند شکست می‌خوردند و یک دفعه نیروی کمکی آمد و پیروز شدند.» (م ۲)

۱۴۴

۴-۲-۲. شهرت طلبان؛ دیگری عارفان

در مقابل عارفان، گونه‌ای از کنشگران قرار می‌گیرند که میدان سیل را وسیله‌ای برای کسب شهرت خود قرار دادند. عارفان بر این باورند هر کس دغدغه «خدمت به مردم» را داشته باشد در دایره خودی‌هاست و با آنها همکاری می‌کند.

«اصلاً ملاک این نیست که کسی چفیه روی دوشش باشد یا نباشد، ریش داشته باشد یا نداشته باشد، نه؛ هر کس که خودش را دغدغه‌مند می‌داند جزء این جریان است... روز اول حادثه حدود ۱۲ ماشین آفرودی وارد ستاد شدند. من هم در آنجا حضور داشتم. ابتدای ورود برخورد بسیار بدی با آنها شد. خانم‌هایی که برای کمک آمده بودند و البته وضعیت حجاب مناسبی هم نداشتند. یکی از این خانم‌ها گفت: من تخصص روانشناسی

دارم، شما فقط من را ببرید پیش مردم تا با آنها صحبت کنم و اصرار داشت که می‌توانم به سیل‌زدگان کمک کنم. خیلی اصرار و التماس می‌کرد به هر طریقی در کنار سیل‌زدگان باشد تا آنها را کمی آرام کند و این اتفاق افتاد. از نظر من، این خانم یک انقلابی است چرا که ملاک انقلابی بودن خدمت به مردم است، هر کسی به مردم خدمت می‌کند انقلابی است ولو ظاهرش را ما نپسندیم.» (م ۴)

این گروه، نقطه مقابل و دیگری خود را افرادی می‌داند که عقلانیت ابزاری را پایه تفکر خود قرار داده و به دنبال آن هستند از حادثه سیل، طریقی برای کسب منفعت و پست و مقام بالاتر و کسب شهرت بسازند. شهرت‌طلبان را می‌توان به دو دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

- مسئولان و مدیرانی که صرفاً برای تماشای صحنه و خودنمایی در کنار مردم حضور پیدا می‌کنند. این گروه به صورت پروازی وارد شهر می‌شوند و ساعتی در کنار مردم حضور دارند و با برگزاری یک جلسه رسمی از شهر خداحافظی می‌کنند. انتشار عکس و فیلم حضور مسئول در شبکه‌های رسمی و ارائه آن به مقامات بالاتر در سلسله مراتب سازمانی مهمترین آرمان و هدف این گروه از شهرت‌طلبان است.

- برخی از سلبریتی‌ها نیز به خوبی به این نکته واقفند که حضور در صحنه خدمات اجتماعی و گرفتن عکس‌های یادگاری با مردم و بیان سخنان روشنفکرانه و انتقادی از مسئولان می‌تواند مخاطبان و پیروان آنها را افزایش دهد. غالب مخاطبان سلبریتی‌ها، به دلیل دوربودن از صحنه سیل، امکان راستی‌آزمایی سخنان آنها را ندارند و در نتیجه باورپذیری سخنان این گروه به دلیل داشتن وجهی از مرجعیت در میان توده مردم بالاست.

۴-۳. ساختارگرایان

ساختارگرایان گروهی از طلاب هستند که هویت خود را به حضور در ساختارهای رسمی و اداری و ستادهای امدادرسانی پیوند زدند. این گروه به این نتیجه رسیدند ضعف‌نهادهای حوزوی در ارتباط با نهادهای رسمی و مؤثر در امدادرسانی و عدم شناخت طلاب از مأموریت‌ها و وظایف سازمان‌های رسمی، سبب شده میزان اثرگذاری طلاب در میدان خدمات اجتماعی کاهش پیدا کند و گاه با موانع حقوقی و قانونی مواجه شود. از سوی دیگر حضور بدون برنامه هر طلبه به صورت

فردی یا گروه‌های خودمختار سبب موازی‌کاری و هدررفتن توان نیروها شده است. بر این اساس این گروه از طلاب سعی می‌کنند با حضور در نهادها و ساختارهای رسمی و تصمیم‌گیر، از یک‌سو موانع حقوقی حضور طلاب را در این میدان برطرف کرده و تسهیلات لازم را برای اثرگذاری حداکثری فراهم کنند و از سوی دیگر با تشکیل ستادهای خاص ویژه طلاب، هم‌افزایی و هماهنگی میان گروه‌های طلاب را افزایش دهند.

۴-۳-۱. باورهای ساختارگرایان

- تمرکزگرا

این گروه از طلاب به این باور رسیده‌اند که برای رفع مشکل موازی‌کاری و تشتت و پراکندگی گروه‌های طلاب، نیازمند تمرکزگرایی در تصمیمات و ایجاد سلسله مراتب بالا به پایینی برای سازماندهی نیروها هستیم. اگرچه امروزه مخالفت با تمرکزگرایی در فرایندهای تصمیم‌گیری و راهبری نیروها و حمایت از سامانه‌های غیرمتمرکز و شبکه‌ای گسترش پیدا کرده است، اما به باور این گروه، ویژگی‌ها و اقتضائات خاص میدان امدادسانی و بحرانی بودن شرایط از یک‌سو و خودمختاری بیش از اندازه نیروها و سردرگمی و هدررفتن نیروی انسانی، اقتضا می‌کند تا سیستم متمرکز در این گونه شرایط ایجاد شود.

«اشکال اصلی که در اینجا دیده می‌شود این است که همه دارند زحمت می‌کشند اما این زحمت‌ها باید هماهنگ بشود، باید یک نفر فکر مرکزی باشد، متأسفانه این فکر مرکزی اینجا نیست... نیروهای انقلابی کلاً علی‌الخصوص طلاب خیلی خوب پای کار بودند من خصوصاً طلاب را می‌گویم، ولی متأسفانه مدیریت واحدی نداشتند طلاب متولی‌شان معلوم نبود چه کسی است. این چند دستگی در مدیریت‌ها بعضاً باعث موازی‌کاری هم می‌شد.» (م ۳)

- قدرت محوری

ضربه خوردن روحانیت از تصمیم‌های نسنجیده در ستادهای مرکزی و عدم توجه به نیازهای روحانیت در ستادها و حتی سخت‌گیری در حضور و همکاری با روحانیت سبب شده است که این گروه تلاش کنند با حضور در ستادهای تصمیم‌گیری، حضور روحانیت را برای امدادسانی تسهیل

و سایر دستگاه‌ها و نهادها را ملزم به همکاری با دستگاه‌های حوزوی کنند.

«واقعاً ما جایگاه حقوقی نداریم. یعنی تا همین ده روز پیش که ما خواهران را اعزام می‌کردیم هیچ جایگاه رسمی نداشتیم مثلاً اگر می‌خواستیم وارد کمپ شویم، سایر ارگان‌ها عنوان و جایگاه داشتند اما حوزه بما هو حوزه اصلاً نقشی ندارد و می‌گویند اصلاً شما چکاره‌اید. ما می‌رفتیم در کمپ هلال احمر اما چون در ساختار مدیریت بحران، ما لحاظ نشدیم، یک فرد ناخوانده و ناخواسته بودیم، خودمان باید می‌رفتیم و خودمان را غالب می‌کردیم یا با التماس و عجز و ناله درخواست می‌کردیم که ما را هم پذیرش کنند». (م ۷)

این گروه، مسیر خدمت به مردم را در گرو داشتن قدرت و منصب می‌داند و بر این باور است که هر میزان قدرت و مسئولیت و مقام فرد بالاتر باشد، امکان خدمت برای او بیشتر فراهم است. این گروه به واسطه حضور مستمر در ستادها و قرارگاه‌های رسمی به ساختارهای سازمانی و رسمی اصالت می‌دهد و به تدریج، «قدرت» برای او موضوعیت پیدا می‌کند. این باورمندی از آنجا ساخته می‌شود که فرد تنها راه خدمت را در گرو داشتن قدرت رسمی و حضور در ساختارهای رسمی و جلسات تصمیم‌گیری سازمانی و ستادی می‌داند.

۴-۳-۲. عامل‌گرایان؛ به‌مثابه دیگری

در نقطه مقابل ساختارگرایان، گروهی از طلاب و حوزویان قرار دارند که با استناد به فرمان «آتش به اختیار» ساختارهای رسمی را بزرگترین مانع در سرعت عمل می‌دانند و بر این باورند هر کس براساس تشخیص و توانایی خود وارد میدان می‌شود. ساختارگرایان معتقدند این گروه از طلاب و نیروهای مردمی، اگر به‌صورت سازمانی و منظم وارد میدان شوند از موازی‌کاری جلوگیری شده و هم‌افزایی افزایش می‌یابد؛ اما عامل‌گرایان، تشکیل ستادها و جلسات و ساختارها را کارهایی صوری، زمان‌بر و کم‌بهره می‌دانند. عامل‌گرایان دیوان‌سالاری پیچیده اداری در کشور را مانع بزرگ خدمت‌رسانی به مردم می‌دانند.

«یک سازمان رسمی وقتی بخواهد تصمیم بگیرد اول می‌گوید ببین ردیف بودجه داریم یا نه؟ برای همین اعزام به پلدختر وقتی در حوزه یا نهادهای زیرمجموعه جلسه رفتیم و گفتیم باید سریع اعزام کنیم، بعد مدیر مربوطه می‌گه بیا ببین ردیف بودجه کجاست و از

کی بگیری؟ من گفتم لازم نیست خودمان سریع انجام می‌دهیم. به بچه‌های گروه گفتم سریع بروید ۴۰ جفت چکمه بگیرید، ۴۰ تا بادگیر بگیرید، ۴۰ تا بیل بگیرید، تمام شد. از کجا می‌آوریم؟ از جیب خودمان می‌گذاریم، از خیرین می‌گیریم و حتی اگر لازم باشد ماشینمان را می‌فروشیم. اما در سازمان می‌گه رئیس دستور بده به مدیر کل بعد دستور به مدیر بعد کارشناس تأیید کنه بعد بره بخش بودجه و...» (م ۵)

۴-۴. سردرگم

چهارمین گروه از طلاب، گروهی هستند که دچار اضطراب و چالش‌های هویتی هستند. یکی از مهمترین چالش‌های طلاب در مواجهه با این‌گونه حوادث، چالش «رفتن/نرفتن» است. علی‌رغم اینکه در سنت تاریخی حوزه‌های علمیه، خدمات اجتماعی به مردم جزء رسالت و هویت روحانیت بوده و امری بدیهی محسوب می‌شد؛ اما با گذشت زمان و ورود روحانیت به عرصه حاکمیت و سیاست، الگوهای عملی عرصه خدمات اجتماعی در حوزه، کمتر مورد توجه قرار گرفتند و کم‌کم به فراموشی سپرده شدند و طلبه امروزی برای ورود به میدان خدمات اجتماعی دچار چالش هویتی می‌شود. از جمله سؤالات طلاب نوجوان و جوانی که وارد این عرصه شده‌اند، این است که «نسبت من به‌عنوان طلبه حوزه علمیه با خدمات اجتماعی چیست؟»، «آیا فعالیت در حوزه خدمات اجتماعی جزء رسالت حوزوی من محسوب می‌شود و آیا این حضور بازی طلبگی همسو است یا خیر؟» این نگرانی از یک‌طرف به‌دلیل برداشتهای نادرست از زی طلبگی و از سوی دیگر به‌دلیل غفلت از عرصه خدمات اجتماعی در حوزه‌های علمیه در سالیان اخیر بوده است.

«تا پیش از حادثه سیل و حضور طلاب، در بیان برخی از آقایان، اینگونه حضور میدانی اهل علم و طلاب خلاف مروت توصیف می‌شد، نمی‌گویم که بعضی می‌گفتند این کار دون زی طلبگی است. می‌گفتند عالم را به بیل چه کار؟! از این حرف‌ها شنیدیم که مبدا عبایت را برداری و لباس دیگری تنت کنی! همین نگاه‌ها سبب شد یک مقداری راه خیر مسدود شود.» (م ۱)

در صورت برطرف شدن این چالش، در گام بعدی که طلبه وارد میدان می‌شوند مدام در حال چرخش از حالتی به حالت دیگر است. لحظه‌ای در ستادهای رسمی حضور دارد و به «دیده‌شدن»

علاقه دارد و لحظه‌ای عاشق حضور در کنار مردم و یاریگری آنهاست. لحظه‌ای دیگر به تردید می‌افتند که حضور در ستاد مفید و اثربخش است و آیا تکلیفی بر او مترتب است یا خیر؟ این تزلزل هویتی و چرخش در میان گونه‌های مختلف، اثربخشی طلبه را کاهش داده و به‌جای تمرکز ذهنی بر رفع نیازهای مردم، با مسائل و دغدغه‌های هویتی خود که عمدتاً از جنس نظری و فکری است درگیر می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طلاب و روحانیون به‌عنوان گروهی که قرابت معنایی بیشتری با امدادگر فرهنگی دارند، در حادثه سیل ۹۸ حضور چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای داشتند. این گروه از کنشگران، کمتر در کانون تمرکز و مطالعه قرار گرفته‌اند و از این رو توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. «هویت» از جمله ابعاد زیربنایی و اصلی در شناخت باور و رفتارهای «امدادگران فرهنگی» به‌عنوان مهمترین عامل در صحنه بحران‌های موقعیتی است که می‌تواند شرایط روحی و اعتقادی مددجویان را ارتقا دهد. نتایج به‌دست آمده از یافته‌های تحقیق عبارت است از:

۱. حضور روحانیت در بحران موقعیتی سیل ۹۸، نشان داد زمینه‌ها و تفکرات برای حضور فعال‌تر این قشر در عرصه خدمات اجتماعی فراهم شده است و حادثه سیل می‌تواند به‌مثابه نقطه عطفی در این عرصه باشد. این گروه از طلاب براساس نگاه شهید مطهری^(۳) بر این باورند هویت فردی و اجتماعی روحانیت مبتنی بر تمایزات بیرونی نیست، بلکه مشتمل بر دغدغه‌های مشترک است که در سطح فردی به فطرت افراد ارتباط دارد.

۲. برخلاف تصور عامه، طلاب و روحانیون هویت‌های یکسان و شبیه هم ندارند و تنوع و تکثر باورهای هویتی در میان طلاب زیاد است. برخی از روحانیون با اعتقاد به عینیت دیانت و سیاست، حضور در این میدان را به‌مثابه یک تکلیف دانسته و برخی دیگر با رد دنیاگریزی و ترجیح تهذیب نفس بر جامعه، میدان سیل را فرصتی برای سیر عرفانی خود دانستند. گروهی دیگر نگاهی از بالا به پایین به جایگاه روحانیت دارند و بر این باورند عامل مؤثر در حضور روحانیت در تحولات اجتماعی، داشتن جایگاه و قدرت رسمی در این گونه عرصه‌هاست و گروهی هم در میانه رفتن و نرفتن دچار سردرگمی شده بودند. این تنوع در تاریخ روحانیت نیز وجود داشته است اما غالباً

این تاریخ و تنوع در حوزه سیاسی روایت شده است و کمتر به تنوع هویتی روحانیت در حوزه اجتماعی و فرهنگی توجه شده است.

۳. مسئولان و دستگاه‌های حاکمیتی در چند سال اخیر بر موضوع آسیب‌های اجتماعی تمرکز کرده و تلاش می‌کنند از ظرفیت حوزه‌های علمیه و طلاب و روحانیون برای کاهش آسیب‌ها استفاده شود. بررسی انواع هویت‌های طلبه در میدان سیل ۹۸ (به‌مثابه یک حادثه طبیعی با پیامدهای اجتماعی و فرهنگی) نشان می‌دهد، برای تدوین و ارائه برنامه‌های آموزشی، مهارتی و حتی سیاستی باید شناخت دقیقی از تنوع و تکثرهای هویتی (باورها و دیگری‌ها) طلاب و روحانیون داشته باشیم. این شناخت، از یکسان‌نگری و استانداردسازی بوروکراتیک جلوگیری خواهد کرد.

۴. برخی تفکرات در حوزه‌های علمیه، حضور طلاب در این‌گونه عرصه‌ها را خلاف هویت روحانیت و به‌عبارتی باعث از بین رفتن زی‌طلبگی می‌دانند. این تفکر سبب شده است که به‌تدریج در دهه‌های گذشته، حضور اجتماعی روحانیت در میان مردم کاهش یابد. حضور گسترده طلاب در میدان سیل ۹۸، تنها به‌مثابه جرقه‌ای است که می‌تواند نقطه عطفی برای بازگشت روحانیت به عرصه خدمات اجتماعی و کاهش فاصله روحانیت با مردم شود. استفاده از این فرصت نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و شناخت جامع از باورها و دیگری‌های گروه‌های مختلف روحانیت (به‌ویژه نسل جوان) است.

منابع

۱. آزادارمکی، تقی و وکیلی، عارف، (۱۳۹۲)، مطالعه جامعه‌شناختی تعریف مفهوم هویت ملی میان اندیشمندان ایرانی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱.
۲. اشرف، احمد، (۱۳۷۳)، هویت ایرانی، ترجمه: حمید احمدی، تهران: نشر نی.
۳. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۷)، امام، قدرت و گفت‌وگو، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۸.
۴. جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
۵. خاکبان، سلیمان، (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی روحانیت ایران معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۱/۴/۱۳۹۳، www.khamenei.ir.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۲۷/۹/۹۵، www.khamenei.ir.
۸. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۸.
۹. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰.
۱۰. رجایی، فرهنگ، (۱۳۹۲)، مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر تمدن و چندفرهنگ، تهران: نشر نی.
۱۱. رجبی‌دوانی، محمدحسین، (۱۳۹۳)، نقش نهاد مرجعیت و روحانیت شیعه در برابر تهدیدات سخت و نرم دشمنان از صفویه تا انقلاب مشروطه، سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۸.
۱۲. زاهدی‌اصل، محمد، (۱۳۹۵)، مبانی مددکاری اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. سنت‌کلر، مایکل، (۱۳۹۵)، درآمدی بر روابط موضوعی و روان‌شناسی خود، ترجمه: علیرضا طهماسب و حامدعلی آقایی، تهران: نشر نی.
۱۴. فراتی، عبدالوهاب، (۱۳۹۴)، رابطه عالمان دینی و نظام اسلامی؛ نظریه‌ها و الگوها، علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۶۷، ۴۵.
۱۵. فیرحی، داود، (۱۳۸۳)، «نسبت هویت و خرده هویت‌ها»، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۱۶. کامپتون، بیولا رابرتز و بارت گلاوی، (۱۳۸۸)، **فرایندهای مددکاری اجتماعی**، ترجمه: سیدجلال صدرالسادات و فرهاد کریمی، تهران: سمت.
۱۷. کچویان، حسین، (۱۳۸۵)، **تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد**، تهران: نشر نی.
۱۸. گویگان، جیم، (۱۳۸۸)، **بازاندیشی در سیاست فرهنگی**، ترجمه: نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۲)، **تجدد و تشخیص**، ناصر موفقیان، تهران: نی.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، **آشنایی با علوم اسلامی**، جلد دوم، تهران: صدرا.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۷۷)، **فرهنگ معین**، جلد ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۵)، **دین و هویت**، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۲۳. موسوی چلک، حسن، (۱۳۹۵)، **مددکاری اجتماعی (کار با فرد)**، تهران: سمت.
۲۴. نصری، قدیر، (۱۳۸۷)، **مبانی هویت ایرانی**، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۲۵. نوچه فلاح، رستم، (۱۳۸۳)، **«هویت؛ واقعیتی ثابت یا سیال»**، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۶. والش، جوزف، (۱۳۸۷)، **نظریه‌های مددکاری اجتماعی در عمل**، ترجمه: فریده همتی، تهران: سمت.
27. Smith, Greg (2006), Erving Goffman, London, Routledge.
28. Williams. Rhys h (2005), Religion as cultural system, Theoretical and empirical developments since Geertz. "In". The Blackwell Companion to the Sociology of Culture. Mark D. Jacobs Nancy Weiss Hanrahan. USA: Blackwell Publishing Ltd.
29. Braun, Virginia, Clarke, Victoria, (2006) Using thematic analysis in Psychology, , Qualitative Research in Psychology, Vol.2, No.6, pp88-808